

وفاداری به شاه یک وظیفه ی همگانیست!

۲۷ خرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۰:۲۸

شاه خودش را یک فرد استثنائی می پنداشت و می خواست که اطرافیانش نیز او را به این شکل بشناسند. بدینسان چاپلوسی و تملق بشدت رواج یافت.

شاه وسواس عجیبی داشت که در زمره شخصیت‌های جاودانی تاریخ ایران قرار بگیرد، حتی مافوق هر سیاستمدار و قهرمانی که در گرد و غبار زمان محو شده بود. هر پیشرفتی می باید به حساب او گذاشته می شد. اگر زیر دستانش در کوچکترین کاری موفق می شدند، این موفقیت در نتیجه افکار داهیانہ شخص او بود. معتقد بود که پدرش قدر توانایی های او را نشناخته است. البته در سالهای اول سلطنت، همه اصحاب سیاست، چه سیاستمداران کهنه کار داخلی و چه نمایندگان سیاسی قدرتهای بزرگ، او را تحقیر می کردند. این گونه تحقیرها تا سالهای بعد، حتی وقتی که رقبای داخلی را از بین برده و قدم در راه خودکامگی گذاشته بود نیز ادامه پیدا کرد. او خودش را یک فرد استثنائی می پنداشت و می خواست که اطرافیانش نیز او را به این شکل بشناسند. بدینسان چاپلوسی و تملق بشدت رواج یافت. علم در نامه هایش خطاب به شاه همیشه او را " پیشوای مقتدر من " خطاب می کرد و هویدا که طرفدار ورزش یوگا بود او را گوروی (مرشد معنوی) من " می نامید. شاه این گونه چاپلوسی ها را باور می کرد و خود را محبوب ملت می پنداشت. او بر این باور بود که توده مردم یک تکلیف بیشتر ندارند و آن وفاداری به شاه است.

منبع: گفتگوی من با شاه، خاطرات محرمانه امیراسدالله علم، جلد اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۲۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49236/وفاداری-یک-وظیفه-همگانیست-به-شاه>